

تاجیکستان؛ فرار مغزها و شکار مغزها

در شماره گذشته این ماهنامه شماره ۶۵ گزارش گونه‌ای با عنوان «تاجیکستان و افغانستان؛ مسلخ فرهنگ، قومیت و انسانیت» چاپ شد که بر دل بسیاری از خوانندگان بزر اندوه فشاند، اما گروهی هم مضمون آن را احساساتی و اغراق‌آمیز تلقی کردند.

با تأسف - با تأسف و نه با خوشبختی - باید یادآور شویم هنوز مرکب چاپ آن مطلب خشک نشده بود که خبر ترور یکی از سرشناس‌ترین چهره‌های ادب و فرهنگ تاجیکستان که عمری را برای بقا و ارتقای زبان، ادب و میراث‌های فرهنگی ایرانی-تاجیکی صرف کرده بود انتشار یافت. او دکتر محمد عاصمی رئیس انجمن پیوند فارسی‌زبانان تاجیک بود که می‌کوشید نه فقط فارسی‌زبانان تاجیک، بلکه فارسی‌زبانان همه جغرافیای فرهنگی ایرانی را به یکدیگر پیوند دهد.

علاوه بر دکتر عاصمی، در همین اوان دو دانشمند دیگر تاجیکی روز روشن، و در قلب پایتخت تاجیکستان ترور شدند. بنابراین آیا نامیدن تاجیکستان و افغانستان به عنوان مسلخ فرهنگ، قومیت و انسانیت اغراق‌نویسی است؟

درباره این ترورها یکی از نویسندگان تاجیکستان که مجبور به ترک سرزمین مادری شده و اینک در تهران مقیم است مطلبی نگاشته که ذیلاً می‌آوریم. نویسنده - میرزا شکورزاده - شمری از یک شاعر ایرانی را که در سوگ مرحوم دکتر محمد عاصمی سروده نیز در مطلب خود جای داده که به دلیل آنکه مطلب ایشان در وهامین لحظات بستان صفحات مجله رسید، چاپ کامل این شعر برایمان مقدور نشد و فقط چند بیت را به نشانه ابراز همدردی مشترک همه ایرانیان با هم نژادان و برادران تاجیک خود منعکس کردیم.

نکته دیگر این که در نوشته نویسنده هیچ دخل و تصرفی نکردیم تا خوانندگان فرصت یابند نثر رایج در میان نویسندگان فارسی‌نویس آن سوی مرزها را بشناسند و خود دریابند این مردم علی‌رغم صد سال جدائی از ایران و هفتاد سال زیر یوغ حکومت شوروی بودن، با چه زحمت و تعمیبی زبان نیاکان خویش را زنده نگه داشته‌اند.

نوشته میرزا شکورزاده
(نویسنده تاجیک)

در پایتخت تاجیکستان - شهر دوشنبه - از آغاز درگیریهایی داخلی در این کشور، یعنی از پائیز سال ۱۹۹۲ میلادی [سال ۱۳۷۱] تا به این روز، فرزندان

تاجیک با نحوه‌های مختلف کشته می‌شوند، چنانچه در مرز تاجیکستان و افغانستان، در قسمتی از خاک بدخشان و نواحیه‌های «طویل دره» و «شورآباد» و دیگر شهرستانهای نزدیک به مرز، بر اثر تشدید جنگها میان نیروهای دولت تاجیکستان و رزمندگان مخالف دولت، هر دو جانب همه روزه دهها کشته و زخمی تلف می‌دهند و هر دو جانب در مطبوعات و دیگر رسانه‌های خبری از مقدار کشته‌شدگان جنگ و مجروحان و اسیران اخبار تازه پخش می‌کنند. در جنگ‌هایی که در مرز و یا داخل خاک تاجیکستان ادامه دارد زمین تاجیکستان: خانه و کاشانه مردم، باغ و کشتزارها و روستاهای کوچک و بزرگ بامباران [بمباران] می‌شوند. تاجایی که اطلاع داریم، در این درگیریها تانکها و هواپیماهای روسی مستقر در خاک تاجیک، جهت پشتیبانی از نیروهای دولتی آشکار و گاه پنهان شرکت ورزیده شبخون به صفهای «دشمن» می‌زنند... و در این آتشبارها از هر دو جانب هم، فقط خون تاجیکسیران توخط بر زمین



دکتر محمد عاصمی

مسی‌ریزده؛ جسد بعضی از آنها را همانجا به خاک می‌سپارند و تعدادی را به زادگاهشان دوشنبه و یا کولاب، اسفره و یا پنجکت، استروشن و عینی... به تابوتهای فلزین گذاشته روان می‌کنند.

این شیوه نژادکشی، یعنی از بین بردن نسل جوان تاجیک و آن هم با دست خود تاجیک در سرزمین باستانی ما چهار سال باز ادامه دارد؛ اما در مرکز جمهوری، در امتداد این قتلها، به قتل و کشتار نسل میانه‌سال و کلان‌سال تاجیک به گونه دیگری دست یازانده می‌شود و این دست بسیار مخوف و این پنجه به خون ناحق ریختن خو گرفته. چندی قبل جسم دو تن از دانشمندان فرهیخته در رشته پزشکی: استاد یوسفخان اسحاقی و عالم فرزانه محتاج علائوف را به خاک و خون آغاشته ساخت. این ترور ناجوانمردانه در تاریخ ۷ مه

بسال ۱۹۹۶ [۱۸ اردیبهشت اسسال] در یکی از خیابانهای سمت شمالی پایتخت، روزانه [در روز روشن] به وقوع پیوست. هر چند جزئیات عمل مزبور تاکنون از جانب مقامات تاجیکستان توضیح داده نشده است، اما چنانی که یک منبع اطلاعاتی تذکر داد، سه تن اشخاص ناشناس در راه، ماشین یک تن از شهروندان دوشنبه را ربوده و راننده آن را در صندوق عقب گذاشته از پی این عملیات ناجوانمردانه افتادند و این دفعه هدف تیر دشمن، دانشمندان نامبرده و راننده آنها گشت.

رئیس دانشگاه پزشکی تاجیکستان اکادمیسین یوسفخان اسحاقی و معاون او پرفسور محتاج فلائوف که یکی ۶۴ و دیگری ۶۷ سال داشت و بقول حالدها [افراد آگاه]، هر دو دانشمند محترم شامل هیچ یکی از گروههای سیاسی نبودند، چرا و از سوی چه کسانی جام شهادت سر کشیدند؟

یوسفخان اسحاقی در سال ۱۹۳۲ در شهر خجند در خاندانی روحانی به دنیا آمده و پس از ختم دبستان، در شهرهای دوشنبه و مسکو دانشگاه پزشکی را به پایان برد و از استعدادهای فوق‌العاده‌ای در این زمینه برخوردار بود. نامبرده عضو وابسته فرهنگستان علوم اتحاد جماهیر شوروی سابق و از سال ۱۹۹۳ تا این روزها رئیس دانشگاه پزشکی جمهوری بود؛ معاون او محتاج غلاموف زاده سمرقند باستانی بوده، از پایه‌گذاران علم و فرهنگ تاجیک در شهر دوشنبه و استاد و مربی صدها پزشکان در این دیار محسوب می‌شود. حکومت تاجیکستان نسبت به مرگ فاجعه‌بار این فضلان اظهار تأسف نموده و جسد هر دو را در پهلوی آرامگاه دیگر شهیدان، ساکتان دوشنبه با دلهای رویش به خاک سپردند. چنانی در بسالا اشاره رفت، عملیات مغرضانه تروریستی که موجب خاموش گردیدن نور علم و دانش در میهن جنگزده ما می‌گردد پنج سال به این جانب ادامه دارد و مشخص نیست که این قتل و کشتار کی پایان می‌پذیرد!

اینک باز خبر وحشت‌انگیزتر از آنچه که در بالا ذکر شد، از پایتخت تاجیکستان تا به دل ایران رسید و برادران و خواهران ایرانی ما افکنند؛ اکثر روزنامه‌های کشور از فاجعه بزرگ با اندوه گران به مضمون زیر خبر پخش نمودند: «دکتر محمد عاصمی، رئیس انجمن بین‌المللی پیوند فارسی‌زبانان ۲۹ جلائی [جولای] سال ۱۹۹۶، برابر با ۸ مرداد ماه سال ۱۳۷۵ هجری خورشیدی در شهر دوشنبه توسط مردان مسلح ناشناس و به ضرب گلوله کشته شد.

چه اطلاع شومی؟ چه روزهای نحسی به سر مردم تاجیک و تاجیکستان آمد؟ هر فردی که آگاه از این مصیبت شد، آه سرد از دل پرورد کشید و خود از خود ستوال می‌کرد ولی پرسش‌هایش بدون جواب می‌ماند...

استاد عاصمی که از سرشناسترین چهره‌های فرهنگی تاجیکستان بود، در میان اهل ادب و هنر فارسی زبانان جهان نیز به لحاظ تلاشهای پر دوام برای احیاء و رشد فرهنگ و تاریخ تاجیکان و استوار نمودن روابط قوی و ناگسستی میان ایرانی تباران، نامی کاملاً شناخته شده است؛ مرد فرزانه صبح روز دوشنبه از مقابل منزلش، در پایتخت تاجیکستان ربوده شد و دقایقی بعد جسد به خاک و خون [آغشته] وی در محوطه مدرسه‌ای در همان نزدیکی پیدا شد.

دانشمند توانا استاد محمد عاصمی، عنوان «آکادمیسین» اتحاد جماهیر شوروی سابق را داشت و همزمان ریاست سازمانی تحت عنوان سازمان بین‌المللی آموزش تمدن آسیای میانه را نیز عهده‌دار بود. بیش از ۷۰ سال از عمر وی گذشته بود و او عمر گرانمایه را اساساً صرف به خدمت فرهنگ و ادب خلقتش کرد و دهها کتاب در زمینه فلسفه و تاریخ و ادبیات از استاد عاصمی به جای مانده است؛ او بیست سال رئیس فرهنگستان علوم تاجیکستان بود.

بررسی فعالیت فرهنگی دکتر عاصمی را برای وقت

و موردی دیگر می‌گذاریم و اینجا سؤال پیش می‌آید که این چهره تابناک فرهنگی در چنین سن و سال توسط چه گروهی کشته شد؟ روزنامه «جمهوری اسلامی» ۷۵/۵/۹۹ کاملی درست تأکید نمود که: «ترور دکتر عاصمی در ادامه ترور چهره‌های فرهنگی تاجیک که از اصالت و تاریخ پارسی‌گویان این کشور دفاع می‌کنند صورت گرفته است، روندی که تا حال به قتل ده‌ها تن از افراد فرهنگی، اسانید دانشگاهها و خبرنگاران این جمهوری انجامیده است.»

ترور استاد عاصمی که آن را می‌توان یک اقدام ناجوانمردانه تشریح کرد، موجی از اندوه بزرگ در میان اهل فرهنگ ایران ایجاد کرد و روزنامه‌های «اطلاعات»، «کیهان»، «سلام»، «جمهوری اسلامی»... سوگنامه‌های از هم قلمان استاد عاصمی را پی هم به نشر رساندند. شاعره خوشبیبان و عاشیق فرهنگ و هنر ایران و ایرانی تباران خانم «توران بهرامی» اشک ریزان از بنده خواهش نمودند که توسط مرثیه‌ای که برای دکتر عاصمی نوشته‌اند، اندوه بزرگ و همدردی و تسلیت ایشان را به پیوندان آن بزرگ مرد زنده‌یاد برسانم که مطلع آن چنین است:

مردم تاجیک، ای آزادگان،

ای شما آزادگان پاک جان.

ای دریفنا مرحم جانکاهانان،

ای دریفنا بر سرشک و آهتان،

سوک و مرگ «عاصمی» دشوار هست
من هم از مرگش دلم خونبار هست.
دشمنی بدکیش و اهریمن معاب
یک جهان اندیشه را بر باد داد
گرچه او را ظاهراً از پا فکند
نیز تیرش خورد بر قلب خجند
وای، رفت آن کس که جان افروز بود
عشق و آگاهی و مهر و سوز بود

آری، این دست سیاه طی چهار سال آخر [اخیر] رشته جان ۲۵ تن از چهره‌های شناخته فرهنگ و هنر تاجیک را گسست که آخرین قربانی استاد «عاصمی» بود. و لااقل یک تن از عاملان این کشتارهای ناجوانمردانه از جانب مقامات امنیتی تاجیکستان مشخص نشده است... اهل فرهنگ و هنر دوشنبه را ترک می‌گویند و رو به خجند، سمرقند، بخارا، مسکو، آلمانی... می‌آرند.

در دوشنبه شهر، فرار مغزها ادامه دارد و شکار مغزها همچنن. تاجیکان بهترین جگر بندان خود را به خاک می‌سپارند و مستمندان به چشم هم می‌نگرند؛ نگاه وحشت‌زده آنها می‌گوید: امروز «عاصمی» و «اسحاقی» و «عالم پور» و... و... را کشتند، فردا نوبت که باشد؟ آنها باز سکوت اختیار می‌کنند و حکومت هم، همچنن...



منطقه ویژه اقتصادی



سازمان عمران کرمان

سیرجان

قطب تولید و تجارت بین‌المللی ایران مجری طرح کلان منطقه ویژه اقتصادی سیرجان

با امکانات و تسهیلات اختصاصی برای:

- * واردات نیازهای داخلی و خارجی تولید (بدون تشریفات کمرکی)
- * تولید برای صادرات و مصرف داخل کشور با امکان واردات بدون ثبت سفارش و گشایش اعتبار (به نسبت ارزش افزوده و مواد مصرفی وارداتی)
- * سرمایه‌گذاری در ساخت انبارهای خصوصی- کارخانه و واحدهای خدمات بازرگانی و اقامتی با امکان بهره‌مندی از تسهیلات تقسیط قیمت اراضی

ستاد تهران: خیابان ستارخان، جنب بل، ساختمان ۴۱۳، کدپستی: ۱۴۵۴۷

تلفن: ۵-۰۴۳-۸۲۰۷۰۴۳ (۸۲۲۶۲۶۷ روابط عمومی) فاکس: ۸۲۰۴۸۰۳ تلکس: ۲۲۲۹۷۸ KEDC